

بسم الله الرحمن الرحيم

۹۶/۰۵/۱۹

موضوع: «قسم دروغ» واجب یا حرام؟!

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام بر شما بینندگان ارجمند؛ شمایی که بیننده برنامه «اخلاق علوی» هستید. ان شاءالله بتوانیم اطلاعات خودمان را در خصوص اخلاق علوی افزایش بدهیم تا به زندگی مان رنگ و بوی علوی و نبوی ببخشیم و بتوانیم در راستای هدفی که خلقت ما در آن قرار دارد گام بنهیم.

ان شاءالله اخلاقی داشته باشیم که بتوانیم برای اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) مایه مباهات شویم نه اینکه خدای ناکرده کاری بکنیم که اهل بیت عصمت و طهارت زیر سؤال بروند.

در این برنامه مستحضر هستید کارشناس عزیز و بزرگواری که در خدمتشان هستیم حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستند. به نیابت از شما خدمت استاد عرض سلام و احترام دارم. سلام علیکم و رحمه الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را میمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده‌اند خالصانه‌ترین سلامم همراه با آرزوی موفقیت روز افزون برای همه تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد قسم می‌دهم فرج مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم را نزدیک نموده و همه ما و شما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری ما و شما بینندگان عزیز را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده کند، دعای ما را به اجابت مقرون کند؛ ان‌شاءالله.

مجری:

ان‌شاءالله؛ حضرت استاد از شما متشکرم. عزیزانی که برنامه ما را به صورت زنده مشاهده می‌کنند و یا روز بعد بازپخش برنامه ما را می‌بینند در ایامی که پشت سر گذاشتیم اخباری از افغانستان مخابره شد که قلب هر انسانی که ولو مسلمان و شیعه نباشد به درد می‌آورد.

اتفاقی در منطقه «میرزا اولنگ» افغانستان که یکی از مناطق شیعه‌نشین هست افتاد و تصاویری مخابره شد که شاید شما عزیزان دیده باشید.

وهابیت در حق خانواده‌های شیعه، غیر نظامیان شیعه، زن و بچه و خردسالی که در آن منطقه از افغانستان زندگی می‌کردند، مرتکب جنایتی شدند و خصم خودشان را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت با شیعیان تسویه کردند. این واقعه قلب هر مسلمان و هر انسانی را به درد می‌آورد.

به دلیل اینکه برنامه‌ای که ملاحظه می‌کنید درباره اخلاق علوی است و سر حد اعلاى اخلاقى که یک بشر می‌تواند داشته باشد را به شما معرفی می‌کنیم شاید نیاز است ضد آن را به شما اشاره کنیم.

اعمال ضد اخلاق علوی همین جنایاتی است که وهابیت در حق بشریت، فراتر از آن شیعیان و فراتر از مسلمانان انجام می‌دهند.

به همین خاطر درخواست بنده این است که استاد ابتدای برنامه اشاره‌ای به این موضوع داشته باشند و اشاره‌ای به مطالبی که در خصوص فاجعه میرزا اولنگ دارند داشته باشند و بعد ان شاء الله سوالات را مطرح خواهم کرد.

فاجعه انسانی در «میرزا اولنگ»؛ جنایت مشترک «داعش» و «طالبان»

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلنى مدخل صدق و أخرجنى مخرج صدق و أجعل لى من لدنك سلطانا نصيرا

همان طور که عزیزمان اشاره کردند وهابیت امروز بلای جان مسلمان‌ها بلکه بلای جان بشریت شده است.

آن‌ها در سوریه شیعه و سنی را قتل عام کردند.

بینندگان عزیز شما دیدید وقتی به سوریه آمدند به بهانه خلافت اسلامی آمدند ولی خلافت شیطانی به پا کردند.

داعش به نام اینکه ما می‌خواهیم برای شما اسلام راستین محمدی و توحیدی را پیاده کنیم آمدند، اما آیین شیطانی

و آدم کشی را در سوریه راه انداختند.

عزیزان مشاهده کردید در موصل برادران اهل سنت ما تصور کردند داعش فرشته نجات هستند، اما بلای جان آنها شدند و بدتر از عزرائیل برای آنها پیام مرگ آوردند.

آنهایی که ابتدا تصور کردند داعشیان می‌خواهند برای نجات آنها قدمی بردارند در اواخر دیدید که مردم موصل با چه زجر و شکنجه‌ای از زیر ستم و استبداد داعش بیرون آمدند. مردم نفس راحت کشیدند و شادی و پایکوبی آنها پس از آزادی موصل در همه جای دنیا پخش شد.

ما بارها عرض کردیم داعش که در عراق و سوریه شکست خورد دنبال این است که به یک کشور ثالث برود و آن هم افغانستان است.

عزیزان افغانستانی، برادران بزرگوار، شیعیان عزیز، برادران اهل سنت! ما از دور دست شما را می‌فشاریم و پیشانی شما را می‌بوسیم. شیعه و سنی دست به دست هم دهید و در صف واحد در مقابل این دشمن بشریت مقاومت کنید و بایستید.

نگذارید جوان‌ها فریب داعش و وهابیت را بخورند. این افراد به احدی رحم نمی‌کنند؛ امروز شیعه را قتل عام می‌کنند، فردا سنی را قتل عام می‌کنند، روز دیگر مسیحی و یهودی و ایزدی را قتل عام می‌کنند همان‌طور که در عراق این کار را انجام دادند.

من از همین جا خدمت همه علمای بزرگوار شیعه سلام و درود می‌فرستم و دست همه عزیزان را می‌فشارم و توصیه می‌کنم بزرگواری کنید در صف واحد در برابر وهابیت و داعش مقاومت کنید.

اگر با هم اختلاف سلیقه دارید، به خاطر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، به خاطر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، به خاطر خون بیگناهان، اختلافات سلیقه‌ای را کنار بگذارید. همه دست به هم بدهید و تلاش کنید عزیزان اهل سنت را با خودتان همراه کنید.

اگر امت اسلامی دست در دست هم بدهد داعش، وهابیت، آمریکا و دیگران هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. اگر ما همین‌طور با تهدیدات آنها عقب نشینی کنیم شکست خواهیم خورد.

نباید به خاطر ترس از تهدید داعش مراسم عاشورا تعطیل کنیم و به صورت گسترده انجام ندهیم، نباید مراسم شبهای احیاء را انجام ندهیم و بترسیم که آنها می‌خواهند انتحاری کنند.

عزیزان روحانی، عزیزان شیعه! شیعه در طول تاریخ با خون شهیدان زنده بوده است. دور از شأن یک شیعه است که به خاطر تهدیدات دشمن عقب نشینی کند. نباید مراسم عزاداری‌هایمان و یا دیگر مراسم‌ها را کم‌رنگ کنیم به خاطر اینکه شاید آنها بخواهند انتحاری کنند.

ما باید با تمام وجود وارد عرصه بشویم. اگر چنانچه ما مخصوصاً روحانیت عزیز در عرصه حضور داشته باشند و شیعه و سنی دست در دست یکدیگر بدهند والله العلی الاعلی داعش که هیچ، پدربزرگ داعش هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکنند.

دشمنان عمدتاً میان شیعه و سنی اختلاف می‌اندازند، میان شیعه اختلاف می‌اندازند، میان اهل سنت اختلاف می‌اندازند. آنها با تکیه بر قول معروف: "اختلاف بینداز و ریاست کن!" وارد می‌شوند و به آمال ننگین و پست خودشان می‌رسند.

من همینجا نسبت به فاجعه‌ای که در افغانستان در این دو سه هفته انجام شد به همه خانواده‌های داغ‌دیده شهیدان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. از خداوند عالم برای خانواده‌های محترم شهدا، در دنیا صبر جمیل و در آخرت اجر جزیل تقاضا می‌کنم.

بازهم به عزیزان شیعه و عزیزان اهل سنت عرض می‌کنم همه ما در برابر خون بیگناهان مسئول هستیم. اگر ما سر سوزن کوتاهی داشته باشیم آن‌ها قدم به قدم و سنگر به سنگر جلو می‌آیند و برای این‌ها به هیچ وجه شیعه و سنی مطرح نیست.

داعشی‌ها همان‌طور که شیعه را می‌کشند سنی را هم می‌کشند و همان‌طور که سنی را می‌کشند مسیحی و ایزدی را هم می‌کشند. آن‌ها معتقدند غیر از خودشان و وهابیت کسی در دنیا مسلمان نیست و فقط خودشان را مسلمان می‌دانند.

داعش به بهانه‌های واهی جوانان جاهل، نادان و ناآگاه را به کشتن مسلمان‌ها تحریک می‌کنند. اجازه بدهید برای اینکه قضیه ما مقداری مشخص و روشن باشد مستند صحبت کنم.

عزیزان روحانی، شیعیان و اهل سنت! کتابی که مشاهده می‌کنید «الدرر السنية فی الأجوبة النجدیه» مجموعه رسائل و مسائل علمای نجد از زمان «محمد بن عبدالوهاب» رهبر تکفیری‌ها تا عصر حاضر است. در جلد دهم صفحه ۳۲۸ وارد شده است:

«وقال رحمه الله فی باب الأذان والإقامة: فإن ترکهما، أی: الأذان والإقامة، أهل بلد قوتلوا؛ أی: یقاتلهم الإمام أو

نائبه، حتی یفعلوهما، لأنهما من أعلام الدین الظاهرة، فقوتلوا علی ترکهما، كصلاة العید»

محمد بن عبدالوهاب در باب اذان و اقامه می‌گوید: اگر ساکنان شهر یا روستایی اذان و اقامه را ترک کند حاکم اسلامی باید همه را قتل عام کنند.

الدرر السنية في الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الطبعة: السادسة، ١٤١٧ هـ/١٩٩٦ م، ج ١٠، ص ٣٢٨، باب تابع كتاب حكم المرتد

دوستان عزیز مشاهده کنید چه کسی غیر از وهابیت این فتوا را داده است؟! کدام عالم شیعه چنین فتوایی داده است؟! کدام عالم اهل سنت چنین فتوایی داده است؟! اصل اذان و اقامه مستحب است. اگر کسی عمداً ترک کند خدای عالم او را مجازات نمی‌کند. پیغمبر اکرم فردای قیامت از او سؤال نمی‌کند. اما وهابیت از خدا بی‌خبر فتوا می‌دهند اگر یک شهر و روستایی اقامه و اذان را ترک کنند همه باید قتل عام شوند. همچنین معتقدند اگر نماز جماعت در یک شهر خوانده نشود تمام آن اهل بلد باید کشته شود!!

آن‌ها این فتاوی را از کجا می‌آورند؟! جز اینکه خداوند متعال می‌فرماید:

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند.

سوره انعام (٦): آیه ١٢١

از جای دیگری نیست. او همچنین در همان کتاب جلد چهارم صفحه ٢٠٤ می‌گوید:

«ومنها صلاة الجمعة، نصوا على أن من تركها تهاوناً وكسلاً ولو مرة واحدة أنه يكفر»

اگر کسی نماز جمعه حاضر نشود اگرچه از روی کسالت باشد باید تکفیر بشود.

الدرر السنية في الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم،

الطبعة: السادسة، ١٤١٧ هـ/ ١٩٩٦ م، ج ٤، ص ٢٠٤، باب كتاب الصلاة

به عقیده او چنین شخصی کافر است و جان و مالش هدر است. همچنین در جای دیگر در مورد کسی که نماز عید فطر و عید قربان را نخواند فتوا می‌دهد:

«إن ترکها أهل بلد يبلغون أربعين بلا عذر، قاتلهم الإمام كأذان»

اگر روستایی چهل نفر جمعیت داشته باشد و بدون عذر نماز عیدین را ترک کنند امام باید آنها را قتل عام کند.

الدرر السنية في الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم،

الطبعة: السادسة، ١٤١٧ هـ/ ١٩٩٦ م، ج ١٠، ص ٣٢٩، باب کتاب حکم المرتد

از این افراد از خدا بی‌خبر سؤال کنید فقیهی که می‌خواهد فتوا بدهد فتوای او یا باید مستند به آیه قرآن باشد یا به حدیث نبوی باشد. ابتدای امر این است!

در کدام آیه از قرآن آمده است اگر کسی اذان و اقامه را ترک کرد باید قتل عام بشود؟! در کدام حدیث پیغمبر اکرم چنین مطلبی آمده است؟! کدام آیه قرآن چنین دستوری صادر کرده است؟! از کدام فتوای عالم شیعه و سنی چنین مطلبی استنباط می‌شود!؟

دوستان عزیز ببینید این فتاوی را صادر می‌کنند و از طرف دیگر رسماً اعلام می‌کنند اگر کسی به درجه مفتی‌گری رسید قائم مقام پیغمبر است. از طرفی هم چنین فتوایی می‌دهند. «آل شیخ» مفتی اعظم عربستان سعودی می‌گوید:

«المفتی قائم المقام النبی فی الامه»

مفتی قائم مقام پیغمبر در میان امت است.

به عبارت دیگر وقتی می‌گوید: "هر کسی اذان و اقامه را ترک کرد باید قتل عام شود"، "هر کسی نماز جمعه را ترک کرد باید قتل عام شود"، "هر کسی نماز عیدین را ترک کرد باید قتل عام شود"، هر کسی نیت وضو را آورد باید قتل عام می‌شود" گویا پیغمبر اکرم گفته است!!

جوان ناآگاه خبر ندارد قضیه چیست و تصور می‌کند گفتار مفتیان گفتار پیغمبر اکرم است. از این بالاتر آقای «قرضاوی» به قول معروف مفتی ناتو در سایت خود می‌گوید:

«بل إن الإمام ابن قیم یقول: المفتی یقوم و یوقع عن الله»

امام ابن قیم گفته است: مفتی‌های ما وهابیت جای خدا نشسته‌اند از طرف خدا امضا می‌کنند.

عزیزان! با این فتاوا، جوانانی که آیه قرآن بلد نیستند، حدیث نخوانده‌اند، تاریخ بلد نیستند، از تاریخ اسلام و تاریخ خلفا خبر ندارد وقتی این فتاوی را می‌بیند و از طرف دیگر مفتیان‌شان چنان دستوراتی می‌دهند اسلحه به دست می‌گیرد و مسلمانان را قتل عام می‌کند. همچنین کمربند انتحاری به خود می‌بندد هم خودش را به درک اسفل می‌رساند و هم ده‌ها نفر از عزیزان را قتل عام و خانواده‌ها را داغدار می‌کند.

وظیفه علمای بزرگوار است که این حقایق را به گوش مردم برسانند و به مردم بگویند وهابیت با اسلام هیچ‌گونه آشنایی و رابطه‌ای ندارند.

اسلامی که امروز وهابیت معرف آن هست اسلام پیغمبر اکرم نیست بلکه اسلام ساختگی شیاطین و خناسها است که در ذهن آنها القا می‌کنند.

من معتقدم اگر ما حقایق را برای مردم خوب بیان و ترسیم کنیم قطعاً جوان سنی و یا جوان ناآگاهی که جذب وهابیت، داعش، جبهه النصره و بوکو حرام شده است قطعاً تلنگری در ذهنش ایجاد می‌شود و از این مسیر برمی‌گردد.

بزرگواران و عزیزان روحانی، روحانیت شیعه، روحانیت اهل سنت! این را هم بدانید اگر ما در اطلاع رسانی، آگاهی رساندن به مردم و بالا بردن سطح بصیرت جوانان شیعه و سنی کوتاه آمدیم فردای قیامت شهدا از من و شمای روحانی شکایت می‌کند.

خانواده شهدا سر پل صراط جلوی راه ما را می‌گیرند، همانجا در محضر عدل الهی از ما شکایت می‌کنند و نمی‌توانیم جواب دهیم. لذا از همه عزیزان تقاضا دارم در این حوزه ان‌شاءالله اطلاع‌رسانی و بصیرت‌افزایی بکنند.

ان‌شاءالله ما در رابطه با افغانستان ویژه برنامه‌هایی خواهیم گذاشت. از همه عزیزان روحانی مخصوصاً شیعیان و اهل سنت تقاضا داریم اگر بتوانند روی خط بیایند.

«شبکه جهانی ولایت» در اختیار شما هست؛ ما آمادگی داریم عزیزان، علمای بزرگوار شیعه و سنی بیایند روی خط و مطالبشان را بیان کنند. الحمدلله رب العالمین ما در افغانستان و تاجیکستان حداکثر بیننده را داریم.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. این اخلاق وهابیت است، اما نمی‌دانم اصلاً می‌شود اسم آن را اخلاق گذاشت یا خیر!؟

استاد گفتند که عالم وهابی فتوا داده بود که اگر اذان و اقامه گفته نشود در آن شهر همه باید کشته و قتل عام شوند. بخدا منطقه «میرزا اولنگ» قطعاً هم نماز یومیه داشتند، هم نماز عیدین داشتند، هم اذان و اقامه داشتند؛ اما باز هم ببینید وهابیت با آن‌ها چطور برخورد می‌کنند!!

قضایات با شماست! جا دارد که مطرح کنیم جنایت هر کجا انجام شود بد است و قطعاً قلب انسان آزرده می‌شود، اما اگر یک یا دو نفر از کسانی که آنجا کشته شده است در یکی از کشورهای اروپایی بودند چه اتفاقی می‌افتاد و چه اطلاع رسانی می‌شد!!

اگر آن‌ها در کشورهای اروپایی کشته می‌شدند چه پیام‌های تسلیتی داده می‌شد و چه شمع‌هایی در مقابل سفارت خانه‌ها روشن می‌شد. متأسفم برای خودمان که این‌طور نیستیم!! در فاصله کوتاهی به اتاق فرمان می‌رویم، برمی‌گردیم و سؤالمان را مطرح می‌کنیم.

از همراهی‌تان با برنامه «اخلاق علوی» ممنونم. عزیزانی که با برنامه «اخلاق علوی» همراه بودند می‌دانند که حضرت استاد در جلسات قبل چه مباحثی را فرمودند. برنامه جلسه قبل در خصوص بحث «دروغ» بود و بررسی کردند که دروغ در اخلاق علوی چه جایگاهی دارد.

همچنین استاد روایاتی را برای شما قرائت کردند. این نکته را برای شما عزیزان عرض کنم اگر دوست داشتید کلیپ‌ها را به صورت موضوعی دریافت کنید در کانال تلگرامی «شبکه جهانی ولایت» عضو شوید و با هشتک «اخلاق

علوی» می‌توانید کلیپ‌های برنامه را دریافت کنید. کلیپ‌های قدیمی و کلیپ‌هایی که به مرور بعد از هر برنامه‌ای در کانال تلگرامی «شبکه جهانی ولایت» بارگذاری می‌شود موجود است.

حضرت استاد یکی از موضوعاتی که ممکن است همگان با آن مواجه شده باشند این است که در هنگام خرید و فروش برخی از افراد سعی می‌کنند با قسم خوردن‌های مکرر نظر و دیدگاه خودشان را در مقابل آن کالایی که می‌خواهند به فروش بگذارند حرفشان را به کرسی بنشانند.

در این خصوص توضیح بفرمایید.

عاقبت «قسم دروغ» در معامله!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در اخلاق علوی مطالبی را مطرح کردیم و عرض کردیم یکی از گناهان خانمان‌سوز که زندگی انسان را می‌پاشاند، خانواده‌ها را بی‌صاحب می‌کند، شهرها را ویران می‌کند و امنیت انسان را از بین می‌برد، «قسم دروغ» است و همچنین گفتیم حتی قسم راست هم نباید یاد کرد.

متأسفانه بعضی از افراد برای اینکه جنسی را بفروشند، میوه‌ای، پارچه‌ای، خانه‌ای، زمین یا کالای دیگری را بفروشند تلاش می‌کنند در کنار آن چهار قسم هم بخورند تا اعتماد طرف مقابل را جلب کنند. در روایت وارد شده است:

«ثَلَاثَةٌ لَا يَكْلُمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزَكِيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

سه دسته از انسان‌ها هستند که خداوند فردای قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید، عمل آن‌ها را پاک نمی‌کند و عذاب دردناک برای آن‌هاست.

«قُلْتُ مَنْ هُمْ خَائِبُوا وَخَسِرُوا قَالَ الْمُسْبِلُ وَالْمَثَانُ»

فرمودند:

«وَالْمُنْفِقُ سَلَعْتُهُ بِالْخَلْفِ الْكَاذِبِ»

کسی که جنس خودش را با قسم دروغ می‌فروشد.

شخص به دروغ قسم می‌خورد کالا را به این مقدار خریده‌ام در حالی که دروغ می‌گوید.

«أَعَادَهَا ثَلَاثًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰۰، ص

۹۰، ح ۲

حضرت سه بار فرمودند: کسی که متاع خودش را با قسم دروغ می‌فروشد فردای قیامت عذاب دردناک گرفتار خواهد شد. حضرت باز هم در روایت دیگر فرمودند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ صَبْرٍ فَقَطَعَ بِهَا مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا قَطَعَ جَذْوَةً مِنَ النَّارِ»

پیغمبر اکرم فرمود: کسی که با قسم خوردن سود می‌برد و از مشتری پول می‌گیرد فردای قیامت این پول به یک تکه‌ای از آتش تبدیل می‌شود و بلای جان او می‌شود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰۱، ص

۲۸۱، ح ۱۹

دوستان آیا این کار ارزش دارد یا ندارد؟! ما در این زمینه روایت زیادی داریم اما به همین دو روایت اکتفا می‌کنم.
اگر سؤال دیگری است من در خدمت شما هستم.

مجری:

بسیار خوب. حضرت استاد اشاره‌ای داشتید به گناهی که برای قسم دروغ در نظر گرفته شده است، اما بالاترین گناه در مورد قسم دروغ که در روایات آمده که شاید تلنگری به کسانی باشد که متاسفانه ممکن است این عادت را داشته باشد چیست؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛ ما در این زمینه روایات زیاد داریم. من فقط یک روایت را از کتاب «کافی شریف» از قول امام صادق (علیه السلام) به نقل از امیرالمؤمنین برای شما می‌آورم. حضرت می‌فرماید:

«مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَ هُوَ يَغْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

کسی که قسم می‌خورد و می‌داند دروغ است به جنگ با خدا رفته است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۷، ص

۴۳۵، ح ۱

چنین شخصی با خدا مبارزه می‌کند. من گمان نمی‌کنم بتوان گناهی از این بالاتر تصور کرد. همچنین در روایت بعد وارد شده است:

«وَ الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يَبَارِزُ اللَّهَ بِهَا»

کسی که قسم دروغ می‌خورد شمشیر کشیده و به جنگ خدای عالم آمده است.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۳۴۷، ح ۴

مشخص است وقتی کسی مرتکب گناه می‌شود معصیت خدا را می‌کند، اما کسی گناهی مرتکب می‌شود که این گناه به منزله جنگ با خداوند عالم است. من در خدمت شما هستم.

مجری:

بسیار عالی. حضرت استاد حال که بحث به اینجا رسید اگر کسی برای نجات جان یک انسان قسم دروغ بخورد حکم این کار چه می‌شود؟

«قسم دروغ» و نجات جان انسان!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با نجات یک انسان یا نجات خود قضیه کاملاً فرق می‌کند؛ در آن صورت «الأهم فالأهم» حاکم است.

به عنوان مثال دست زدن به نامحرم حرام است، اما اگر انسان می‌بیند نامحرمی در دریا افتاده و دارد غرق می‌شود. در آن صورت واجب است داخل دریا برود و نامحرم را نجات دهد. در این صورت نه تنها دست زدن و بغل کردن نامحرم حرام نیست بلکه واجب است، زیرا برای نجات انسان است. مشاهده کنید در اینجا گناهی به عنوان لمس نامحرم و واجبی به عنوان نجات انسان داریم. قطعاً در این‌طور موارد شارع مقدس حکم به نجات انسان می‌دهد.

اصلاً قبل از شارع مقدس عقل حکم می‌کند اگر در یک مورد «الأهم فالأهم» کردیم در آنجا مهم را رها می‌کنیم اهم را می‌گیریم یا اقل شرأ را می‌گیریم.

همچنین در رابطه با نجات انسان یک مرتبه ممکن است انسان گرفتار شده یا انسان دیگری جایی گرفتار شده است. در این موقعیت با یک دروغ گفتن یا یک قسم دروغ انسانی را از مرگ نجات می‌دهیم.

در روایات از بزرگان و علمای اهل سنت نقل شده است که اگر کسی منزل شما مخفی شد و مأموری هم به دنبال او آمد تا او را به زندان ببرد، شلاق بزند یا بکشد می‌گویید بودن او را انکار کنید و بگویید که منزل شما نیست.

همچنین اگر مأمور از شما تقاضا کرد که قسم بخورید، بگویید: والله قسم من خبر ندارم. در اینجا قسم خوردن همانند لمس نامحرم و بغل کردن نامحرم در شرایط خاص است.

همان‌طور که در زمان غرق شدن نامحرم، گرفتن او و بیرون کشیدن و نجات دادن از آب برای نجات او هیچ اشکالی ندارد در اینجا هم قسم خوردن به دروغ برای نجات انسان نه تنها گناه ندارد بلکه واجب است، زیرا نجات انسان واجب است.

روایت دیگری از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از قول پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که حضرت فرمودند:

«اخْلِفْ بِاللَّهِ كَذِباً وَ نَجِّ أَحَاك مِنْ الْقَتْلِ»

به دروغ به خدا قسم بخور، اما زمانی که قسم خوردن باعث نجات برادرت از قتل و کشتن باشد.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص

۳۷۴، ح ۴۳۱۳

این روایت در چند منبع از امیرالمؤمنین نقل شده است. همچنین از امام باقر (علیه السلام) سؤال می‌کنند:

«وَفِي الرَّجُلِ يَخْلِفُ تَقِيَةً»

مردی به عنوان تقیه قسم می‌خورد.

«قَالَ إِنَّ خَشِيَّتَ عَلَي دَمِكِ وَ مَالِكِ فَاخْلِفْ تَرُدُّهُ عَنْكَ بِمِئِنِكَ»

حضرت فرمود: اگر برای برادر دینی خود، برای دین خود، برای خون خود، برای مال خود ترسیدی قسم بخور و با قسم خوردن شر ظالم را از خود دور کن.

«وَإِنْ رَأَيْتَ أَنَّ يَمِينَكَ لَا يَرُدُّ عَنْكَ شَيْئاً فَلَا تَخْلِفْ لَهُمْ»

اگر می‌بینید قسم خوردن شما هیچ اثری ندارد قسم نخورید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰۱، ص

۲۸۵، ح ۸

در صورتی قسم خوردن جایز است که ما بدانیم وقتی قسم دروغ خوردیم انسانی نجات پیدا می‌کند، خودمان نجات پیدا می‌کنیم یا مال و جان و آبروی خودم یا برادر دینی از خطر بیرون می‌آید می‌توانیم قسم بخوریم.

ولی اگر دیدیم قسم خوردن یا قسم نخوردن ما فرقی به حال ظالم ندارد و او کارش را انجام می‌دهد قسم خوردن حرام است. در روایت دیگر وارد شده است:

«كَلَّمَا خَافَ الْمُؤْمِنُ عَلَى نَفْسِهِ فِيهِ ضَرُورَةٌ فَلَهُ فِيهِ التَّقِيَّةُ»

هرگاه مؤمن می‌ترسد ضرری متوجه جان او شود می‌تواند قسم بخورد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰۱، ص

۲۸۴، ح ۳

روایت دیگری از امام باقر نقل شده است که «زراره» می‌گوید:

«قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَمُرُّ عَلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَيَسْتَحْلِفُونَنَا عَلَى أَمْوَالِنَا وَ قَدْ أَدَّيْنَا زَكَاتَهَا»

«زراره» در زمان بنی امیه بوده و بخشی از بنی عباس را هم درک کرده. «زراره» متوفای صد و پنجاه هجری است که تقریباً ۱۸ سال زمان بنی عباس را هم درک کرده‌است.

امام صادق (سلام الله علیه) سال ۱۴۸ هجری از دنیا رفته است، اما «زراره» و «محمد بن مسلم» و تعدادی از شخصیت‌های برجسته شیعه سال ۱۵۰ هجری از دنیا رفتند. آن سال، که سال از دنیا رفتن فحول شیعه بود «عام حزن» اعلام شد. «زراره» می‌گوید:

«قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَمُرُّ عَلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَيَسْتَحْلِفُونَنَا عَلَى أَمْوَالِنَا وَ قَدْ أَدَّيْنَا زَكَاتَهَا»

ما با مردم و حکومتی‌ها هستیم و آن‌ها ما را قسم می‌دهند که آیا زکاتتان را پرداخت کردید یا خیر.

«فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ إِذَا حِفَّتْ فَاحْلِفْ لَهُمْ مَا شَأَعُوا»

حضرت فرمود: یا زراره! اگر به جانت به مالت می‌ترسی قسم بخور.

«قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ بِالطَّلَاقِ وَ الْعَتَاقِ»

زراره گفت: جانم فدای شما! آن‌ها می‌گویند به طلاق همسرت یا بندگی بنی عباس قسم بخور.

این افراد خدا را قبول ندارند و می‌گویند: به طلاق همسرت قسم بخور یا قسم بخور اگر دروغ گفتی بنده بنی عباس هستی.

«قَالَ بِمَا شَاءُوا»

حضرت فرمود: هرچه خواستند قسم بخورید.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۲۳، ص ۲۲۷، ح ۲۹۴۳۸

به فرمایش امام باقر با این قسم خوردن ضرر را از خود دفع کنید. خیلی مهم نیست به چه چیزی قسم می‌خورید؛ به طلاق، عتق، لفظ جلاله و قرآن قسم بخورید.

به مثالی که زدم دقت کنید. خانمی در دریا غرق می‌شود که چه بسا اصلاً پوششی ندارد. آیا در آن زمان که مردی در آنجاست و می‌تواند او را نجات بدهد واجب است او را نجات دهد یا خیر؟! برخی از انسان‌های تندرو و ظاهر بین می‌گویند: "ما دست نمی‌زنیم، زیرا او نامحرم است!!"

این افراد همانند خوارج در عبارت «حسن بصری» است که می‌گویند: وقتی که از آب چشمه خوردم مقداری آب را به بیرون چشمه ریختم. یکی از خوارج آمد و گفت: تو اسراف کردی و آب چشمه را بیرون انداختی!!

من گفتم: "شما خون مسلمان‌ها را می‌ریزید، شکم زن حامله را می‌شکافید و جنین او را بیرون می‌آورید و جلوی مادر ذبح می‌کنید اسراف نیست. حال که من آب چشمه را بیرون ریختم اسراف است؟!"

در این‌طور موارد اخلاق علوی و اهل بیت چنین است و حتی علمای بزرگ اهل سنت هم در این زمینه با ما همراه هستند. بازهم از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که حضرت فرمود:

«التَّقِيَّةُ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ وَاجِبٌ»

تقیه در زمان تقیه واجب است.

جایی که انسان بر خود، اموالش، برادر دینی‌اش، عرضش و ناموسش می‌ترسد واجب است.

«وَأَلَا حَنْتَ وَلَا كَفَّارَةَ عَلَى مَنْ حَلَفَ تَقِيَّةً يَدْفَعُ بِذَلِكَ ظُلْمًا عَنِ نَفْسِهِ»

اگر کسی قسم دروغ بخورد کفاره ندارد.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۱۶، ص ۲۱۰، ح ۲۱۳۷۷

اگر شما قسم دروغ بخورید یا اگر قسم بخورید و انجام ندهید باید سه روز، روزه بگیرید یا ده فقیر را سیر کنید. قسم احکام خاصی دارد، نذر احکام خاصی دارد که دوستان می‌توانند از بخش «زمزم احکام» جستجو کنند که عزیزانمان این مسائل را کاملاً توضیح دادند.

در فقه ائمه اطهار (سلام الله عليهم اجمعين) در اخلاق علوی قسم دروغ خوردن به منزله جنگ با خداست، اما اگر قسم دروغ باعث نجات یک انسان باشد، نه تنها گناهی ندارد بلکه به خاطر این قسم دروغ، خدا پاداشی هم خواهد داد، زیرا باعث نجات یک انسان شده است.

مجری:

حضرت استاد روایاتی در خصوص تقیه قرائت فرمودید. با توجه به این روایات و دهها و صدها روایات دیگری که در کتب شیعه است برخی از مخالفین معتقدند که تقیه به نوعی نفاق است.

من دوست داشتم در اینجا سؤالی بپرسم که مطالب بحث کامل باشد و دوستان عزیز به خوبی استفاده کنند. سؤال این است: آیا تقیه از اختصاصات تفکر شیعه است یا فرهنگی قرآنی و برگرفته از قرآن کریم است؟

مشروعیت «تقیه» در قرآن؛ روایات معصومین (علیهم السلام) و نظر علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما اگر بتوانیم در برنامه «حبل المتین» روی این زمینه هم کار می‌کنیم. ما در درس خارج فقه مقارن که در حوزه داریم حدود ۲ سال است که بحثمان روی تقیه است.

شبهاتی که وهابیت داشتند در این خصوص بود که تقیه را به عنوان نفاق معرفی می‌کنند. کارشناسان شبکه‌های شیطانی هم مرتب شعار می‌دهند و می‌گویند: "نود درصد دین شیعیان تقیه است. آن‌ها دروغ می‌گویند. آن‌ها نفاق دارند!!"

شما به نکته زیبایی اشاره کردید. ما در قرآن کریم آیات متعددی بر جواز، مشروعیت و وجوب تقیه داریم. من به بعضی از این آیات اشاره می‌کنم و تفصیل آن را برای یک بحث جدا می‌گذاریم.

آیه اول: مربوط به سوره آل عمران است. خدای عالم در سوره آل عمران آیه ۲۸ می‌فرماید:

(لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ)

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود).

(إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً)

مگر اینکه از آن‌ها به پرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید).

سوره آل عمران (۳): آیه ۲۸

بنابراین تقیه یک مسئله قرآنی است و ارتباطی به شیعه ندارد. «فخرالدین رازی» می‌گوید:

«التقية جائزة لصون النفس»

تقیه برای مصونیت نفس جائز است.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۸، ص ۱۲، باب آل عمران: (۲۸)

لا يتخذ المؤمنون... ..

او در ادامه در سؤال به اینکه آیا برای حفظ مال هم جایز است یا خیر، می‌گوید: بله جائز است، زیرا پیغمبر اکرم فرمودند حرمت اموال مسلمان همانند حرمت خون اوست، احترام مال مسلمان همانند احترام خون اوست. پیغمبر فرمود: هر کس در دفاع از مالش کشته شود، شهید است.

«خازن» یکی از مفسرین بنام اهل سنت می‌گوید: تقیه در صورتی که ما از قتل بترسیم کاملاً جائز است. آقای «شوکانی» به صراحت می‌گوید: (إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً) خطاب به همه مسلمان‌هاست و این دلیل بر جواز تقیه است.

«مراغی مصری» می‌گوید:

«وقد استنبط العلماء من هذه الآية جواز التَّقية»

علما از این آیه جواز تقیه را استنباط کردند.

تفسیر المراغی، المؤلف: أحمد بن مصطفى المراغی (المتوفى: ۱۳۷۱ هـ)، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة

مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۶۵ هـ - ۱۹۴۶ م، ج ۳، ص ۱۳۷

اگر انسان به خاطر جلوگیری از ضرر حرفی بزند یا کاری انجام دهد که مخالف حق است تقیه نام دارد. «فخر رازی» می‌گوید:

«إنما تحل مع الكفار الغالبين إلا أن مذهب الشافعي رضي الله عنه أن الحالة بين المسلمين إذا شاکت

الحالة بين المسلمين والمشرکين حلت التقية محامة على النفس»

با اینکه آیه شریفه در رابطه با کفار است مذهب شافعی بر این است که در رابطه با مسلمانان نیز هست و اختصاصی به کفار ندارد. اگر از کفار ترسیدید تقيه کنید اگر ترس از مسلمانان هم مثل کفار باشد.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م، الطبعة: الأولى، ج ٨، ص ١٢

آیه قرآن در رابطه با کفار است. مضمون روایت این است که اگر یک حاکم ظالم می‌خواهد ضرر به ما، جان ما و ناموس ما بزند ولو مسلمان باشد طبق این آیه تقيه واجب است.

آیه دوم: سوره نحل آیه ١٠٦ است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

(مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ)

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند- به جز آن‌ها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام با ایمان است.

سوره نحل (١٦): آیه ١٠٦

کسی که قلبش مطمئن به ایمان و مؤمن به خداوند است، اما زبانا کلمه کفر به زبان جاری می‌کند هیچ اشکالی ندارد. علمای شیعه ما همانند «طبرسی» این عبارت را دارد که دیگر آن را مطرح نمی‌کنم.

«فخر رازی» در اینجا مفصل قضیه «عمار یاسر» را مطرح می‌کند. «عمار یاسر» را گرفتند و گفتند: اگر به خدای

عالم کفر نگوئی به نبی مکرم اسلام اهانت نکنی تو را می‌کشیم!! او پس از اینکه دید پدرش را کشتند و مادرش را

هم با آن وضع فجیع به قتل رساندند برای نجات خودش کلمه کفر به زبان آورد و نسبت به نبی مکرم اسلام جسارت کرد.

«فأتی عمار رسول الله وهو يبکی»

عمار سپس خدمت نبی مکرم اسلام آمد در حالی که اشک می ریخت.

«فجعل رسول الله یمسح عینیه»

پیغمبر اشک چشم عمار را پاک می کرد.

«عمار» گفت: یا رسول الله! من برای نجات خودم کلمه کفر بر زبان آوردم.

«ویقول: (ما لک إن عادوا لک فعد لهم بما قلت)»

پیغمبر اکرم فرمود: اگر دوباره تو را تحت فشار قرار دادند برای نجات خود بازهم کفر بگو.

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۲۰، ص ۹۷، باب النحل: (۱۰۶) - (۱۰۹) من کفر بالله... ..

«تفسیر بیضاوی» همین تعبیر را در جلد ۳ صفحه ۴۲۲ دارد. در اینجا هم وارد شده که حضرت فرمودند:

«أن عادوا لک فعد لهم بما قلت»

اگر کفار تو را در مخمصه قرار دادند گفتند کفر بگو دوباره کفر بگو.

تفسیر البیضاوی، اسم المؤلف: البیضاوی، دار النشر: دار الفکر - بیروت، ج ۳، ص ۴۲۲، باب النحل: (۱۰۶)

من کفر بالله... ..

دلیل فرمایش رسول گرامی اسلام این است که قلب «عمار» سراسر مملو از ایمان است. «جصاص» در کتاب «احکام قرآن» همین عبارت را دارد و می‌گوید: این اصل در جواز اظهار کلمه کفر در حال اکراه و زورگویی است.

ما می‌بینیم در منابع شیعه هم همین مطالب بیان شده است. از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل شده است:

«التَّقِيَةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ»

تقیه یکی از با فضیلت‌ترین اعمال مؤمن است.

«يُضَوُّ بِهَا نَفْسُهُ وَ إِخْوَانُهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ»

که به سبب تقیه خودش و برادرانش را از شر فاسقین حفظ می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱، ص

۲۲۹، ح ۲۵

باز از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که حضرت فرمود:

«وَأَلَا إِيمَانٌ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ»

کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد.

ما دو آیه در این زمینه خواندیم، آیات متعدد دیگری هم وجود دارد.

«فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى»

پرسیدند: یابن رسول الله! تقیه تا چه زمانی وجود دارد؟!

«قَالَ: وَهُوَ يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»

حضرت فرمود: تا خروج حضرت مهدی (ارواحنا فداه) تقیه هست. هرکسی قبل از قیام حضرت مهدی تقیه را ترک کند از ما نیست.

إعلام الوری بأعلام الهدی، نویسنده: طبرسی، فضل بن حسن، ص ۴۳۴، الفصل الثانی فی ذکر الأخبار

الواردة عن آبائه فی ذلك

در بعضی از شبکه‌های شیطان‌ی شیعه، همانند «شبکه فدک» یا سابقاً شبکه‌ای به نام «شبکه اهل بیت» ادعا

می‌کردند که نباید تقیه کنیم، اما مشاهده کنید که امام رضا می‌فرماید: "آن‌ها از ما نیستند!"

همچنین در کتاب «کافی شریف» جلد دوم صفحه ۲۲۴ حضرت به «معلی بن خنیس» می‌فرماید:

«إِنَّ التَّقِيَةَ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي»

تقیه جزء دین من و دین آباء من است.

«وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ»

کسی که تقیه نداشته باشد دین ندارد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۲۴، ح ۸

بازهم در صفحه ۲۱۹ از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

«التَّقِيَةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ»

تقیه دین من و دین آباء من است ایمان ندارد هر کس تقیه ندارد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۱۹، ح ۱۲

«ابو عمر اعجمی» از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: نود درصد دین در تقیه است. اگر تقیه‌ای نباشد دینی در

کار نیست. بازهم امام صادق فرمودند: تقیه از دین خدای عالم است.

بنابراین آنچه ما از قرآن خواندیم و آنچه از روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) خواندیم باهم تطبیق دارند. روایات

ائمه اطهار (علیهم السلام) برگرفته از آیات قرآنی است.

مجری:

حضرت استاد از شما ممنونم. بینندگان عزیزی که با ما همراه هستید یک میان برنامه بینیم و بعد ان شاءالله

برمی‌گردیم با ادامه برنامه در خدمت شما باشیم. لازم است خدمت شما عرض کنم ان شاءالله اگر سؤالی در

خصوص برنامه «اخلاق علوی» داشتید با ما تماس بگیرید.

«شبکه جهانی ولایت» مدتهاست که این امکان را برای شما فراهم کرده است که اگر حتی از خارج از کشور هستید و دوست دارید تماس بگیرید می‌توانید شماره خود را به اتاق فرمان بدهید تا اتاق فرمان با شما تماس بگیرند.

در این صورت حداقل هزینه هم برای شما در نظر گرفته نمی‌شود و با کمترین عسر و حرجی می‌توانید سؤال و مطلب خودتان را مطرح بفرمایید. با ما همراه باشید؛ میان برنامه را می‌بینیم و برمی‌گردیم تا حدود ساعت ۲۲:۳۰ مهمان منازل شما هستیم.

بسیار ممنونم از همراهیتان و دقت نظری که در خصوص برنامه دارید. برای اینکه فرصت بیشتری داشته باشیم، سؤالات شما را دریافت کنیم و تماس‌های شما را هم بشنویم می‌خواهم سه سؤال را تحت عنوان یک سؤال از محضر حضرت استاد پیرسم.

انشاءالله پاسخ استاد را دریافت کنیم و بعد از آن آماده می‌شویم تماس‌های شما را دریافت کنیم.

حضرت استاد روایات مشروعیت تقیه را از کتب شیعه خواندید. آیا در کتب اهل سنت هم در سیره نبی گرامی اسلام، سیره صحابه و سیره مسلمین بحث تقیه مطرح شده است یا خیر؟!

مشروعیت «تقیه» با استناد به منابع اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته زیبایی بود! من تقاضا دارم عزیزان اهل شیعه و اهل سنت به این پاسخی که خدمت آقای حسینی عزیز دارم دقت کنند سپس از کارشناسان شبکه‌های شیطانی سؤال کنند: "شما که شبانه روز ادعا می‌کنید شیعیان

تقیه دارند و این نفاق است؛ آیا در سنت پیغمبر اکرم و سیره صحابه روایتی که از کتاب‌های خودمان داشتیم: «وَأَلَا

دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ» آمده یا نه؟!"

کتابی که ملاحظه می‌کنید کتاب «المصنف» اثر «ابن ابی شیبه» استاد «بخاری» متوفای ۲۳۵ هجری است. او در

حقیقت ۲۰ سال قبل از «بخاری» از دنیا رفته است. در این کتاب روایتی از «حسن بصری» نقل شده است که می

گوید: "تقیه برای مؤمن تا قیامت جایز است."

همچنین از «ابن حنفیه» نقل شده است:

«لا إيمان لمن لا تقية له»

کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار

النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۶، ص ۴۷۴، ح

۳۳۰۴۵

بازهم از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند:

«ما من كلام أتكلم به بين يدي سلطان يدرأ عني به ما بين سوط إلى سوطين إلا كنت متكلماً به»

من حرف دروغ و خلافی نزد حاکم می‌گویم که با آن حرف دروغ شلاقی از حاکم نخورم. اگر حرف دروغ

نگویم حاکم به من شلاق می‌زند.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيببة الكوفي، دار
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٤٧٤، ح

٣٣٠٤٦

او حرف دروغ می‌گوید تا از حاکم شلاق نخورد. همچنین از «حسن بن حسن مثنی» نقل شده است:

«إنما التقية رخصة والفضل القيام بأمر الله»

تقیه رخصتی تا قیام قیامت و بالاترین قیام به امر خداوند است.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيببة الكوفي، دار
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٤٧٤، ح

٣٣٠٤٨

«حذيفه» صحابی پیغمبر اکرم می‌گوید: "من دروغ می‌گویم تقیه می‌کنم و بعضی از دینم را در معرض فنا قرار
می‌دهم تا قسمت دیگر دینم را حفظ کنم. اگر این کار را نکنم تمام دینم را از دست می‌دهم."

به بیان او تقیه باعث می‌شود او بخش عظیمی از دینش را حفظ کند. همچنین از «حذیفه» که صحابی پیغمبر اکرم
است روایت دیگری نقل شده است. راوی می‌گوید: «عبدالله بن مسعود» و «حذیفه» نزد عثمان آمدند. عثمان به
«حذیفه» گفت: تو چنین حرف‌هایی زدی. «حذیفه» گفت:

«لا والله ما قلته»

به خدا سوگند چنین حرفی نزدم.

«فلما خرج قال له عبد الله ما لك فلم تقوله ما سمعتك تقول»

وقتی خارج شدیم عبدالله ابن مسعود گفت: من شنیدم تو چنین حرفی زدی، اما پیش حاکم قسم دروغ خوردی.

«قال إني اشتري ديني بفضه ببعض مخافة أن يذهب كله»

«حذیفه» گفت: قسمتی از دینم را می‌فروشم و قسمتی از دینم را می‌خرم تا همه دینم را از دست ندهم.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٤٧٤، ح

٣٣٠٥٠

او ادعا می‌کند که اگر من دروغ نگویم تمام دینم را از بین می‌برند و مجبورم از دینم دست بردارم، اما اگر یک دروغ گفتم دست از سر من برمی‌دارند و کاری با من ندارند. بازهم در کتاب «کنز العمال» اثر «متقی هندی» وارد شده است:

«لا دين لمن لا تقية له»

کسی که تقیه ندارد دین ندارد.

کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، اسم المؤلف: علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ج ٣،

ص ٤٣، ح ٥٦٦٥

این روایت از قول امیرالمؤمنین نقل شده که خلیفه چهارم اهل سنت است در جلد سوم از کتاب «کنز العمال» وارد شده است. همچنین در کتاب «تفسیر طبری» جلد هفتم روایت مفصلی نقل شده است. راوی ذیل آیه شریفه:

(وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً)

و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت چرا که دیگران سکوت اختیار کرده‌اند).

سوره انفال (۸): آیه ۲۵

می‌گوید: این آیه مخصوص اصحاب پیغمبر است. بسیاری از صحابه می‌گفتند: ما گمان نمی‌کردیم این آیه در شأن صحابه نازل شده باشد، اما بعد از قضیه جمل و صفین فهمیدیم این آیه در مورد اصحاب پیغمبر است.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: بترسید از فتنه‌ای که فقط به ستمگران شما نمی‌رسد، بلکه افراد بی‌گناه هم گرفتار فتنه خواهند شد. حضرت بعد از اینکه فرمودند: فتنه‌ای می‌آید و امت من گرفتار تفرقه و اختلاف شوند، دعا کردند و فرمودند:

«اللهم أظهر عليهم أفضلهم تقية»

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۲۵، باب الأنعام: (۶۵) قل هو القادر

همچنین در کتاب «صحيح بخارى» تقيه پيغمبر اكرم وارد شده است. تقيه كه شاخ و دُم ندارد! عزيزان دقت كنند در اين كتاب روايتى از عايشه نقل شده است كه مى‌گويد مردى اجازه گرفت نزد پيغمبر اكرم بيايد، اما حضرت پشت سرش گفت:

«بِئْسَ أَخُو الْعَشِيرَةِ وَبِئْسَ بن الْعَشِيرَةِ»

او فرزند يکى از اقوام زشت و بد است.

رسول گرامى اسلام پشت سر او بد و بيراه گفتند، اما وقتى او جلوى پيغمبر اكرم نشست آن بزرگوار با احترام با او برخورد کرد.

زمانى كه اين شخص بيرون رفت، عايشه گفت: يا رسول الله! زمانى كه اين مرد جلوى در آمد پشت سرش حرف تندى زد و فرموديد او شخص بدى است، اما وقتى به خانه آمد او را احترام كرديد!!

«فقال رسول الله يا عايشة إنَّ شَرَّ الناسِ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ تَرَكَهُ الناسِ اتِّقَاءَ شَرِّهِ»

پيغمبر اكرم فرمودند: اى عايشه! روز قيامت بدترين مردمان از لحاظ مقام و منزلت نزد پروردگار كسى است كه مردم بخاطر نجات و رهاى از بدى او را رها نموده‌اند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۵، ص ۲۲۴۴، ح

پیغمبر اکرم فرمودند: اگر من به او احترام گذاشتم به خاطر این بود که از شر او در امان باشم. این روایت فرمایش پیغمبر اکرم در کتاب «صحیح بخاری» است و راوی آن هم عایشه ام المؤمنین است. پیغمبر اکرم می‌فرمایند که او انسان شروری است، اما به او احترام می‌گذارم تا از شر او در امان باشم.

روایات متعدد و زیادی در کتاب‌های عزیزان اهل سنت داریم. در کتاب «صحیح مسلم» روایتی نقل شده که از پیغمبر اکرم سؤال می‌کنند: "چرا حجر اسماعیل را وارد بیت نمی‌کنید در حالی که حجر اسماعیل جزء بیت الله است؟! " حضرت فرمودند:

لَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثُ عَهْدٍ بِجَاهِلِيَّةٍ أَوْ قَالَ بِكُفْرٍ لَأَنْفَقْتُ كَنْزَ الْكُغْبَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَجَعَلْتُ بِأَرْضِ
ولادخلت فيها من الحجرِ

ای عایشه! اگر به خاطر این نبود که قوم و قبیله تو تازه از شرک بیرون آمدند کعبه را خراب می‌کردم، با خاک یکسان می‌کردم، از نو درست می‌کردم و دو در برای آن می‌گذاشتم.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۹۶۹، ح ۱۳۳۳

جالب این است که وقتی در کتاب «سنن نسائی» جلد ۲ صفحه ۳۹۱ این روایت را نقل می‌کند:

«يَا عَائِشَةُ لَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثُ عَهْدٍ بِجَاهِلِيَّةٍ لَأَمَرْتُ بِالْبَيْتِ فَهَدِمَ فَأَدْخَلْتُ فِيهِ مَا أُخْرِجُ مِنْهُ وَأَلْزَقْتُهُ بِالْأَرْضِ
وَجَعَلْتُ لَهُ بَابَيْنِ بَابًا شَرْقِيًّا وَبَابًا غَرْبِيًّا»

حضرت به صراحت خطاب به عایشه می‌فرمایند: قوم تو تازه از جاهلیت بیرون آمدند و هنوز قلب آن‌ها اسلام را خوب لمس و درک نکرده‌اند. اگر من چنین کاری کنم آن‌ها از اسلام فرار می‌کنند.

می‌گوید:

«لولا قرب عهدهم بالكفر يريد عن الاسلام لم يتمكن في قلوبهم»

آن‌ها تازه از کفر بیرون آمدند و هنوز اسلام در قلب این‌ها جا نگرفته است. اگر من کعبه را ویران کنم آن‌ها از اسلام برمی‌گردند و مرتد می‌شوند.

السنن الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ج ۲، ص ۳۹۱، ح ۳۸۸۶

آیا تقيه شاخ و دم دارد؟ خیر! بازهم در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۳۸۶ نقل شده است که پیغمبر اکرم می‌فرماید: یا «اباذر»! آن وقت که در میان یک عده افراد لاابالی بودی چکار می‌کنی؟ «اباذر» گفت: چکار کنم؟! حضرت فرمود: صبرکن، صبرکن، صبرکن؛

«خالقوا الناس بأخلاقهم وخالفوهم في أعمالهم»

با اخلاق مردم همسان باش، اما در عمل آن‌ها شریک مشو.

«هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه»

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين و همچنین در سیره صحابه شما ببینید.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

٣٨٦، ح ٥٤٦٤

خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!! «عبدالله بن مسعود» می‌گوید: من دروغ می‌گویم تا حاکم یک شلاق به من نزند. «ابو درداء» صحابی پیغمبر اکرم می‌گوید: ما در چهره بعضی‌ها می‌خندیم، اما قلبا آن‌ها را لعنت می‌کنیم. آیا تقيه بهتر از این امکان دارد؟!

«ابوهریره» می‌گوید: من از پیغمبر اکرم دو ظرف روایت حفظ کردم که یکی از آن را پخش کردم. اگر دیگری را پخش کنم خلیفه، خرخره من را می‌شکافد. همچنین «حذیفه» یکی از کسانی است که تقيه می‌کرد و او را منافق خطاب می‌کردند.

اتهام منافق بودن شیعیان توسط وهابیت اتهام تازه‌ای نیست، زیرا در عصر صحابه هم وقتی «حذیفه» تقيه می‌کرد او را منافق خطاب می‌کردند و به او می‌گفتند: برخلاف عقیده‌ات حرف می‌زنی. او در پاسخ می‌گفت: من بعضی از دینم را با بعضی می‌خرم تا همه را از دست ندهم.

ما در این زمینه روایت بسیار داریم، اما در سیره مسلمین تنها به خواندن یک روایت اکتفا می‌کنم. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد اول صفحه ٦٣٦ نقل شده است که «سعید بن جبیر» می‌گوید: من با «ابن عباس» در عرفه بودم. «ابن عباس» گفت:

«ما لی لا أسمع الناس یلبون»

چرا مردم تلبیه نمی‌گویند.

«فقلت يخافون من معاوية»

من گفتم: مردم از معاویه می ترسند.

«قال فخرج بن عباس من فسطاطه فقال: لبيك اللهم لبيك»

ابن عباس از خیمه اش بیرون آمد و گفت: لبيك اللهم لبيك.

«فإنهم قد تركوا السنة من بغض علي رضي الله عنه»

آن ها به خاطر بغض علی بن ابی طالب سنت پیغمبر اکرم را ترک می کنند.

سنت پیغمبر اکرم این است که لبيك بگویند، اما آن ها به خاطر بغض با علی سنت را ترک کردند. در مورد سند این روایت هم وارد شده است:

«هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه»

این حدیث صحیح است و شرایط بخاری و مسلم را دارد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۱، ص ۶۳۶، ح ۱۷۰۶

همچنین در کتاب «سنن بیهقی» جلد پنجم خیلی واضح تر بیان شده است. در این روایت نقل شده است که «ابن عباس» به «سعید بن جبیر» گفت: چرا مردم لبيك نمی گویند؟! او گفت: از مردم می ترسند! «ابن عباس» از خیمه بیرون آمد و گفت:

«لبيك اللهم لبيك وإن رغم أنف معاوية»

برای اینکه پوزه معاویه به خاک مالیده شود لبيك اللهم لبيك.

سنن البيهقي الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي، دار النشر: مكتبة

دار الباز - مكة المكرمة - ١٤١٤ - ١٩٩٤، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، ج ٥، ص ١١٣، ح ٩٢٣٠

«ابن عباس» می‌گوید: خدایا این‌ها را لعنت کن که سنت پیغمبر اکرم را به خاطر عداوت با علی ترک کردند.

در این روایت دو مسئله وجود دارد؛ مسئله اول این است که تقیه می‌کنند و مسئله دوم این است که سنت پیغمبر را به خاطر ترس از معاویه ترک می‌کنند. اگر این روایت گویای تقیه نیست پس چیست؟!

این روایت را از بنده یادگاری داشته باشید. «ابن عباس» در این روایت می‌گوید: مردم سنت پیغمبر را به خاطر بغض علی و ترس از معاویه ترک می‌کنند.

حال ببینید کسی که سنت پیغمبر اکرم را ترک کند چه حکمی دارد! در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد اول صفحه ٩١ روایتی از عایشه نقل شده است که پیغمبر اکرم فرمودند: «شش دسته از مردم هستند که من آن‌ها را لعنت کرده‌ام، خداوند هم آن‌ها را لعنت کرده است و هر پیغمبر مستجاب الدعوه هم آن‌ها را لعنت کرده‌اند. یکی از این شش دسته؛

«والتارك لسنتي»

کسی که سنت من را ترک کند.

«ابن عباس» می‌گوید: سنت پیامبر را به خاطر بغضی علی بن ابی طالب ترک کردند. «حاکم نیشابوری» در مورد سند روایت می‌گوید:

«وهذا حدیث صحیح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۱، ص ۹۱، ح ۱۰۲

بنابراین آقایانی که این چنین داد و بیداد به راه می‌اندازند و ادعا می‌کنند: "تقیه از مختصات شیعه است و آن‌ها منافق هستند" یا بی‌سواد هستند و منابع خودشان را نمی‌خوانند یا خوانده‌اند، اما عناد دارند.

اگر لازم باشد من حاضرم در بیش از سی جلسه، تقیه را از دیدگاه اهل سنت، تقیه در سنت پیغمبر اکرم، تقیه در سیره صحابه، تقیه در سیره تابعین، نظر علمای بزرگ اهل سنت درباره تقیه و سیره مسلمین حتی نظر وهابی‌ها را در مورد تقیه بیان کنم.

«ابن تیمیه» می‌گوید: "اگر کسی وارد مسجدی شد و دید امام جماعت ظالمی پیش نماز است به طوری که اگر نماز نخواند پیش نماز ظالم به او ضرر می‌زند باید در آنجا نماز بخواند، اما زمانی که به منزل رفت نمازش را اعاده کند."

مجری:

بسیار عالی؛ حضرت استاد از شما متشکرم. عزیزانی که با ما همراه هستند ما وارد بخش دوم شدیم و از مطالب حضرت استاد استفاده کردیم. اگر سؤالی در این خصوص دارید می‌توانید مطرح کنید و با ما در میان بگذارید.

در فاصله کوتاهی به اتاق فرمان می‌رویم و پس از آن سؤالات و تماس‌های شما را دریافت می‌کنیم.

تماس بینندگان برنامه:

عرض سلام مجدد خدمت شما دارم. به سراغ تماس‌های تلفنی می‌رویم. آقا عارف از خوزستان پشت خط ارتباطی ما هستند. سلام علیکم و رحمة الله؛

بیننده (آقا عارف از خوزستان - شیعه):

علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عرض سلام دارم خدمت آقای حسینی و استاد عزیز و بزرگوار آقای قزوینی.

مجری:

علیکم السلام. آقا عارف در خدمت شما هستیم.

بیننده:

همچنین خدمت بینندگان محترم «شبکه جهانی ولایت» سلام عرض می‌کنم. استاد دو هفته پیش فرمودید شخصی مریض بود، نزد دکتر رفت و دکتر به او گفت: اگر شراب بخورید زنده می‌مانید و اگر شراب نخورید می‌میرید.

این شخص شیعه اهل بیت بود و نزد امام جعفر صادق (علیه السلام) رفت. حضرت به او فرمودند: شراب نخورید و اگر هم از دنیا رفتید روز قیامت بگوئید که امام جعفر صادق چنین دستوری به من دادند.

ولی شما نیم ساعت پیش گفتید که اگر برای حفظ جان یک انسان دست به نامحرم بزنید جایز است و اگر قسم خوردن به حفظ جان شما تأثیر می‌گذارد قسم دروغ هم بخورید.

حال در اینجا تناقضی پیش می‌آید که چطور زمان امام جعفر صادق این شخص برای حفظ جان خود شراب نخورد ولو بمیرد. بنده از شما تقاضا دارم این تناقض را برطرف کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیزم ما روایات داریم که خدای عالم در چیزهای حرام شفا قرار نداده است. سنت الهی بر این تعلق گرفته که خدای عالم در گوشت خوک شفا قرار نداده است، در شراب شفا قرار نداده است. دکتري که می‌گوید شراب بخور، دارد اشتباه می‌کند.

همان‌طور که عرض کردیم حضرت در مورد قسم دروغ می‌فرماید: "اگر بدانید قسم دروغ خوردن هیچ تأثیری در نظر ظالم نمی‌کند نمی‌توانید قسم بخورید." قضیه شراب هم به همین شکل است.

بنابراین امام صادق می‌فرمایند چون خدای عالم در شراب شفا قرار نداده است پزشکی هم که چنین دستوری می‌دهد اشتباه می‌کند. او معصوم نیست و ما نباید به اشتباه او عمل کنیم.

مجری:

آقا عارف ملاحظه فرمودید؟! مشکل شما حل شد؟!!

بیننده:

استاد حرف شما کاملاً درست است و جواب خود را گرفتم. حال سؤال بعد را مطرح می‌کنم؛ استاد من چند سال است که برنامه شما را مشاهده می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا عارف البته خدمت شما عرض کنم ذاتاً خداوند عالم در چیزهای حرام خدا شفا قرار نداده است. اگر در جایی انسانی به یقین رسید که شیء حرام برای شفای او مفید است می‌تواند استفاده کند.

به عنوان مثال بعضی از قرص‌هایی که برای غضروف و درد مفاصل و درد کمر درست شده از روغن تمساح تهیه شده است. اگر شخص یقین پیدا کرد این دارو برای او مفید است و دارو هم داروی منحصر به فرد شد بعضی از مراجع اجازه استفاده می‌دهند مشروط بر اینکه مریض یقین پیدا کند.

این قضیه درست همانند قسم دروغ خوردن است که شخص یقین پیدا می‌کند اگر قسم دروغ خورد نجات پیدا می‌کند. در این‌طور موارد بعضی از مراجع اجازه دادند، اما نظر بنده این است که در این‌طور موارد خدای عالم شفا قرار نداده است.

یکی از این بزرگواران به بنده قرصی داده بودند، اما زمانی که متوجه شدیم تمام قرص را برگرداندیم و به هیچ وجه نگذاشتیم کسی آن را مصرف کند.

مجری:

آقا عارف سؤال دوم خود را پرسید.

بیننده:

سؤال دوم این است که بنده چند سال است «شبکه جهانی ولایت» علی‌الخصوص برنامه‌های شما را نگاه می‌کنم.

انتقادی که از شما داشتیم و از حضرت استاد خواهش می‌کنم بدون هیچ تقيه‌ای جواب بدهید این است که من مشاهده کردم شما به جماعت عمریه، اهل سنت می‌گویید. من یقین دارم که اهل سنت واقعی ما شیعیان هستیم. چرا به آن‌ها اهل سنت می‌گویید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا عارف عزیز من جمله‌ای به شما بگویم. من می‌گویم: "خلیفه اول"، اما آیا معتقد هستیم که او خلیفه اول است؟! منظور من خلیفه اول از دیدگاه اهل سنت است. من می‌گویم: "خلیفه دوم" چنین گفته است. آیا ما معتقدیم که عمر بن خطاب خلیفه دوم ماست؟!

به عنوان مثال ما «ملک سلمان» می‌گوییم، اما آیا واقعاً معتقد هستیم که او ملک است؟! خیر!! با توجه به اینکه آقایان اهل سنت خودشان می‌گویند: "ما اهل سنت هستیم" ما بر مبنای باورهای این عزیزان آن‌ها را اهل سنت می‌گوییم. آیت الله العظمی سیستانی می‌فرماید:

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

نگویید برادران اهل سنت، بلکه بگویید عزیزان اهل سنت.

آیا نستجیر بالله آیت الله العظمی سیستانی خود سنی شده که چنین حرفی می‌زند؟ نه. این اسامی و القاب به خاطر ایجاد الفت و رأفت میان شیعه و سنی است.

امروز هرگونه اختلافی میان امت اسلامی ایجاد شود هم شیعه می‌سوزد و هم سنی می‌سوزد. قبل از آنکه شیعه و سنی بسوزند اسلام می‌سوزد.

ما امروزه به خاطر حفظ اسلام بحث رأفت و الفت و وحدت و تقریب را از ضروریات جهان اسلام می‌دانیم، زیرا مخالفین ما شیعه را به جان سنی و سنی را به جان شیعه می‌اندازند. اگر اهداف دشمنان اسلام عملی شود نه از شیعه در کره زمین اثری می‌ماند نه از سنی اثری می‌ماند در نتیجه از اسلام هم خبری نمی‌ماند. روی این جهت عرض می‌کنیم.

بیننده:

استاد حدیثی داریم که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرزمانی بدعتی ظاهر شد بر عالم واجب است که آن را ظاهر کند و هرکسی چنین کاری نکند لعنت خداوند بر او باد.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۵۴، ح ۲

من یقین دارم که ما شیعیان اهل بیت اهل سنت هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا عارف عزیز! ما در اینکه حقایق را مطرح می‌کنیم شکی نیست. ما بر حقانیت و امامت و خلافت امیرالمؤمنین صدها برنامه رفتیم. ما هفته گذشته در رابطه با جنگ جمل صحبت کردیم و تمام حقایق را مطرح می‌کنیم.

اینکه ما به وحدت معتقد هستیم مانع این نیست که حقانیت خودمان را بیان کنیم. ما عقاید مخالفین را نقد می‌کنیم، اما زمانی که نقد عقاید مخالفین با فحش و ناسزا و تکفیر همراه است اهل بیت آن را نمی‌پسندند.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه ۲۰۶ از کتاب «نهج البلاغه» نسبت به معاویه می‌فرماید:

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبائين»

من کراهت دارم از اینکه به او ناسزا بگویید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، خ ۲۰۶

اگر نقد مؤدبانه، مستدل و منطقی باشد مورد قبول شیعه و اهل سنت است، اما در مورد «فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ» ما تمام حقایق را مطرح می‌کنیم. چنین نیست که ما دست از عقیده خودمان برداریم.

مرحوم «شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» صفحه ۱۹ بحث وحدت را مطرح می‌کند و می‌گوید: "وحدت از ضروریات جهان اسلام است، اما ما حاضر نیستیم به خاطر وحدت از یک مستحب یا مکروه کوچکمان دست برداریم."

جناب آقای عارف! ما چنین وحدتی را قبول داریم نه وحدتی که بخواهیم شیعه را زیر سایه اهل سنت یا اهل سنت را زیر سایه شیعه ببریم و کارخانه شیعه‌سازی یا سنی‌سازی درست کنیم.

امیرالمؤمنین خود بزرگ منادی وحدت بوده و قربان تفرقه شد، اما با همه این احوالات هم، نقد از خلفا را داشت، هم بدعت‌های گذشته را مطرح فرمودند، هم حقانیت خودش را مطرح کرد و هم فرمودند:

«أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»

هر کسی حرف از تفرقه زد بکشید، ولو زیر امامه من مخفی شده باشد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۸۵، خ ۱۲۷

بیننده:

استاد حرف شما کاملاً درست است و من قبول دارم. زیاد وقت شما را نمی‌گیرم.

مجری:

آقا عارف ما بینندگان دیگری هم پشت خط داریم. دو سؤال پرسیدید و اجازه بدهید برنامه بعد روی خط تشریف بیاورید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا عارف ما جلسه بعد در خدمت شما هستیم.

مجری:

آقا عارف از شما ممنونیم، اجازه بدهید به بینندگان بعدی برسیم. گاهی اوقات بینندگان زیاد منتظر می‌مانند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤالات ایشان سؤالات زیبا و مبتلا به بود. بعضی از سؤالات عزیزان ارتباطی به ما ندارد، اما سؤالات ایشان هم به موضوع ما مرتبط و هم مفید بود. ما از این‌طور سؤالات استقبال می‌کنیم و حاضریم تمام برنامه خود را به این‌طور سؤالات اختصاص بدهیم.

مجری:

آقای متولی از قزوین سلام علیکم و رحمة الله؛

بیننده (آقای متولی از قزوین - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما استاد گرامی و مجری گرامی آقای حسینی. می‌خواستم در مورد توسل در قرآن و سنت و سیره صحابه شعری را خدمت شما عرض کنم.

مجری:

بفرمایید.

بیننده:

توسل در قرآن:

چنین گفت یکتای نیکو سرشت

همان آفریدگار نار و بهشت

بفرمود در مصحف خود کریم

به آنان که ایمان دارند و دین

در آن سوره مائده آیه ۳۵

بسان تمامی قرآن به ما داده گنج

که ای اهل ایمان، ای متقین

صلاحی نباشد شما را یقین

توسل بجوید الیه الوسیل

و در راه حق جاهدوا فی سبیل

و در سوره یوسف آیه ۹۷

در آن حال که اخوانش سوی بابا برفت

بگفتند: بابا تو ما را ببخش

نگفتند بخشای ما را خداوند عرش

توسل نباشد به جز بندگی

و این بندگی به ز شرمندگی

توسل فقط طاعت از خالق است

پرستش نما هرچه او لایق است

و در النساء آیه ۶۴

نیامد رسول لیطاع هوش دار

به اذن خدا خلق طاعت کنند

رسولان حق را اطاعت کنند

اگر ظلم کردند بر حال خویش

و آمد به نزدت در احوال خویش

فاستغفروا الله مغیر عقول

بمانند (وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ)

در این حال توبه پذیر است او

و در مهر هم بی نظیر است او

این آیات در حق توسل جرس است

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

توسل از سنت:

آورده با صراحت در دفترش روایت

مشروع بود توسل این هم ز اهل سنت

«نور الدین سمهودی» جلد ۴ سی دی

در آن «وفا الوفاء» چون استغاثه دادی

ثابت بود توسل اندر تمام حالات

از انبیاء مرسل و سیره صالحان

قبل از نبی و بعدش در برزخ و قیامت

آخر چگونه گوید مشروط این برآید

آورده بازهم او در آن «شواهد الحق»

از انبیاء است سنت توسل به سید الخلق

در چهارگانه مذهب و از عالمان آنان

اندر دفاتر خود بنوشته‌اند جانان

بر بخشش گناهان یا در قضای حاجت

نبی شفیع گرداند قبرش نما زیارت

یا که «جمیل صدقی» در «فجر صادقش» هست

خواهی اگر بدانی از آن ورق بزن شرح

جایز دانند توسل معظم از مسلمین

بر آن نبی بر حق بر اصحاب و صالحین

بر جوهر المنظم «ابن حجر هیثمی»

روی داند توسل در هر حالی بر نبی

«سیف الغدیر سبکی» آورده که یقین است

نبی را استغاثه الحق ز امر دین است

هرکس که منکرش شد یعنی آیین ندارد

جایز بود توسل منکرش دین ندارد

صادق تواتر آن ثابت شده است جانا

اجماع قائلندش عالم ز پیر و برنا

ای جاهل و ای نادان یا ای امام شیطان

بشنو خودت چه گفتی هان «ابن تیمیه» هان!

حد تواتری هست در هر روایت اگر

یا که ثابت شده اجماع آن در نظر

گرچه تو منکر شوی ملحد شدی و کافر

بیچاره «ابن وهاب» کافر شدی تو آخر

یک راست گفته باشی این است ای وهابی

هر منکری در اجماع بی دین است ای وهابی

حالا بگو وهابی امامت این چنین گفت

کافر شدی یا بگو او زده است حرف مفت

آخر چرا تو «ابن تیمیه» می پرستی

آزاده باش و آزاد گرچه وهابی هستی

خوابیده را چو خواهی بیدار تو مجال است

وان کس که خواب زد خود بیداری اش محال است

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند.

مجری:

حضرت استاد چقدر زیبا بود. آقای متولی از شما ممنونم. یک مصرعی داشتید: هان «ابن تیمیه» هان! به نظرم به جای آن می‌توانید بگذارید: هان ای زندیق حران! اهل سنت این لقب را به او دادند که فکر می‌کنم در آنجا هم قافیه و صامت و مصوت‌ها هم دقیق‌تر دربیاید.

آقای متولی عزیز بسیار عالی بود. واقعاً قرآن و سنت با شعر بسیار عالی بود. خداوند به شما خیر بدهد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بعضی از ابیات خیلی عالی بود.

مجری:

از شما بسیار ممنونیم. خداوند به خانواده محترم شما خیر بدهد که چنین فرزندی را تربیت کردند. ان شاءالله بازهم تماس بگیرید و بازهم معارف اهل بیت را در قالب روایاتی که مطرح کردید مطرح بفرمایید.

حضرت استاد سؤالات برنامه که پاسخ داده شد. بیننده اول که تماس گرفتند توضیحاتی دریافت کردند، اما برنامه قبل که من در خدمت شما بودم شخصی در کما بودند که آقای دهقان هستند که یادداشت به من اشتباه رسیده بود. ایشان ۵۰ روز در کما هستند و دختر بچه‌ای دارند که ایشان هم چشم به راه هستند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همشیره ایشان با ما تماس گرفته بودند که خیلی التماس دعا داشتند. ما قول دادیم که ان شاءالله ختم (أَمَّنْ یَجِیْب) برای شفای همه مریضان مخصوصاً این عزیزمان که تقریباً دو ماه هست که در کما هستند و مادرشان بسیار بی‌تابی می‌کند.

ما گفتیم: ان شاءالله مادرشان نماز استغاثه به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مرتب بخوانند تا حتماً نتیجه بگیرند. من از همه بینندگان عزیز تقاضا دارم با حضور قلب همین آیه شریفه را بخوانیم و هم به دعاها آمین بگوییم.

(أَمَّنْ یَجِیْبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یَكْشِفُ الشُّوْءَ)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۲

خدایا تو را قسم می‌دهیم به عزت و جلالت، به وحدانیت و به حق حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان نزدیک بگردان. قلب نازنینش را با ظهورش مسرور بگردان.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد بر تمام بیماران مخصوصاً بیمار مورد نظر شفای عاجل کرم فرما.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد حوائج حاجتمندان، حوائج این حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران گرامی بالاخص عزیزانی که در استودیوی نجف همکاری داشتند و می‌کنند حوائج همه و همه را برآورده نما.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما، خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

حضرت استاد از شما ممنونم. از همراهی شما بینندگان عزیز و ارجمند متشکریم. برای تعجیل در ظهور منجی عالم بشریت دعا می‌کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج